

بررسی اغراض بلاغی امر و نهی در غزلیات شهریار

ابراهیم اقبالی^۱، سمیه سبز فروش^۲
(تاریخ دریافت: ۹۴/۱۲/۲، تاریخ پذیرش: ۹۵/۲/۲۱)

چکیده

جملات امر و نهی گاهی به دلایلی چند در مفهوم اصلی خود به کار نمی‌روند بلکه در بردارنده‌ی غرض‌های فرعی هستند چرا که هر سخنوری با به‌کارگیری این اغراض تأثیر کلام خویش را بیشتر می‌کند و به شکلی ناخودآگاه توجه مخاطب را نسبت به موضوع افزایش می‌دهد. شهریار از جمله شاعرانی که از این اغراض برای بیان مقصود خویش بسیار بهره برده است. در این پژوهش غزلیات شهریار مطالعه و ابیات به کار گرفته شده در قالب امر، نهی استخراج شد. سپس به بررسی اغراض ثانوی هر کدام از آن‌ها پرداخته شد و سپس شواهد، با توجه به بسامد آنها ذکر شد. بدین ترتیب که با ارائه تعریف کلی و جامع و مانع از موضوع، اغراض بلاغی را با توجه به بسامد آن‌ها ذکر و شواهد ابیات را در کنار این غرض‌ها آورده و در پایان با بررسی‌هایی که روی غزلیات شهریار صورت گرفت این نتایج به‌دست آمد که شهریار کمتر مواقعی جملات امر، نهی را در مفهوم اصلی خود بکار برده است بلکه اغلب این جملات دارای غرض بلاغی هستند. همچنین به این نتیجه دست یافتیم که علی‌رغم این‌که اغلب کتب علم معانی در باب این اغراض از مثال‌های تکراری استفاده کرده‌اند و یا به نمونه‌های معدودی از این اغراض اشاره کرده‌اند، در غزلیات شهریار جملات امر و نهی، با ابیات متنوع و با مفاهیم جدید توسط شاعر به کار گرفته شده‌اند که جای دارد در کتب جدید معانی برای پرهیز از تکرار و تقلید گنجانده شود.

واژگان کلیدی

شهریار، امر، نهی، بسامد، اغراض بلاغی

۱. نویسنده مسئول: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تبریز
۲. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تبریز

مقدمه

استاد سید محمد حسین بهجت تبریزی متخلص به «شهریار» در تبریز متولد شد. «دیوان شهریار سرگذشت دلی است که شی در بهجت آباد و در میان مناظره بی دریغ زندگی و مرگ، آمدن بلندبالایی را به انتظار نشسته که وجودش را مشتعل می کند، روزی بیداد رفته بر لاله بربادرفته اش را تجربه کرده و به جست و جوی او بر درگاه کوه بر آستانه دریا و علف گریسته، و داستان شوریده ای است که دور از کنار مادر و یاران مهربان، زال زمانه به نامهربانیش آزرده، روزی در جاده های قم با گریه های ای وای مادرم! ره می سپارد، روزگاری ستورش به داغ جیب «جیب سمعی» یتیم می شود و زمانی بی ترنم جانبخش صبا، عمر عالم را به سر آمده می بیند و با این همه بر تغابنی که بی سیم و زر، بر بازار عشق آزادگی و شعر و جوانی و هنر رفته حسرت خورده، سرمست از ساغر خون جگرآشامی «دارد به سر هوای صحبت یاران رفته را»^۱.

یکی از نویسندگان در مقاله ای که در زمینه سبک شهریار نوشته، آن را با این جملات توصیف کرده است: «اگر ادبیات را به یک محوطه تشبیه کنیم که از برف پوشیده شده باشد، هر شاعری که از این محوطه می گذرد، جای پای از خود باقی می گذارد که سبک اوست و شاعر موفق کسی است که جای پای (سبک) مخصوص به

خود را دارد»^۲. «از ویژگی های اشعار شهریار و به خصوص غزل های او، یکی این است که شهریار از زبان محاوره های و لغت عامیانه و روزنامه ای نهایت بهره را می برد. لغات و تعبیرات عامیانه و روزنامه ای در اشعار او موج می زند و تا حدودی شعر او را ساده کرده است. هر چند که دکتر زرین کوب در این مورد می گوید: «این زبان سنگین و با شکوه در غزل هایی که امروز به سبک قدما گفته می شود، دیگر نیروی حیاتی ندارد و سعی امثال شهریار که با آوردن بعضی از الفاظ تازه و جاری و حتی فرنگی و مخلوط کردنش با تعبیرات عامیانه و روزنامه ای خواسته اند که آن را برای ذوق مردم امروز، متناسب کنند، ظاهراً با توفیق قرین نشده است»^۳.

شهریار اگر چه غزل سرایی مشهور است، اما در شعر نو طبع آزمایی کرده است. وی نخست نفوذ افسانه نیما را پذیرفت و منظومه دو مرغ بهشتی را در همان وزن سرود و سپس چند منظومه دیگر مانند افسانه شب و هذیان دل را سرود. به هر حال باید گفت که کفه غزل سرایی شهریار که بی تردید ارزش در خور ستایش دارد بر کفه نوسرایی او می چربد. مرثیه مادر که شهریار با عنوان «ای وای مادرم» سروده است با آن که شعری تقریباً آزاد است، از جهت تلقین حس و القای همدردی در غیر، یک شعری قوی است، شعری واقعی. غزلیات شهریار صرفاً محدود به

۲- اصغر هندی، ۱۳۸۴: ص ۱۴۰

۳- اصغر هندی، ۱۳۸۴: ص ۱۴۱

۱- اصغر هندی، ۱۳۸۴: ص ۱۳۸

غزلیات عاشقانه نبوده بلکه مفاهیم و مضامین عرفانی نیز در کنار غزلیات عاشقانه موج می‌زند. شیوه سخن شهریار به شیوه سخن خواجه حافظ بسیار نزدیک است و به تناسبات لفظی و رعایت صنایع شعری اهمیت خاصی دارد.

و اما مبحث امر و نهی در غزلیات شهریار به ترتیب از لحاظ بسامد، بالاترین و پایین‌ترین رتبه را در مباحث انشای طلبی دارا هستند. در کتاب‌های معانی برای امر، اغراض گوناگونی را ذکر کرده‌اند و در ذکر تعداد اغراض بلاغی امر، با هم اختلاف نظر دارند. ولی در این پژوهش، توجه به کتب معتبر موجود در این زمینه است. هم‌چنین در مورد مبحث نهی نیز باید اذعان داشت که این مبحث در غزلیات شهریار دارای اغراض خاصی است که در بعضی از کتب علم معانی به آن‌ها اشاره شده است. در عین حال این اغراض تنها محدود به همان غرض‌هایی نیستند که در کتاب‌ها ذکر شده‌اند چرا که بیشتر کتاب‌های موجود در زمینه علم معانی، تحت تأثیر بلاغت عرب بوده و مطابق با زبان عربی، برای این مبحث، اغراضی را ذکر کرده‌اند. در حالی که ساختار زبان فارسی و زبان عربی با یکدیگر خیلی تفاوت دارند. به این دلیل، هدف ما در بررسی غرض‌های بلاغی نهی، استفاده کردن از کتب معتبر مرتبط در زبان فارسی خواهد بود. هر کدام از کتاب‌های فارسی در بحث نهی، غرض‌های متفاوتی را ذکر کرده‌اند ولی هدف

در این پژوهش، ذکر همه اغراضی است که در کتاب‌های علم معانی آمده است، چرا که با گردآوری این اغراض، از زوایا و جوانب گوناگونی می‌توان به بررسی غرض‌های موجود در یک بیت پرداخت.

ضرورت تحقیق

نویسندگان و شاعران برای این که بتوانند تأثیر کلام خویش را بیشتر کنند جملات خود را به همراه اغراض به کار می‌برند که این اغراض برای همه مخاطبان آشکار نیست. ضرورت این پژوهش، بررسی و تفحص به این موضوع و ارائه شواهد و مثال‌های نو برای هر یک از این مباحث و جلوگیری از ذکر مثال‌های تکراری در کتب معانی است. چرا که مطالعه کردن اغلب کتب متقدم و متأخر علم معانی، به ناقص بودن مطالب آن‌ها و تقلید و تکراری بودن مثال‌های ذکر شده در آن‌ها را به وضوح می‌نمایاند.

فرضیات تحقیق

شهریار هم چون دیگر شعرای فارسی، در قالب جملات انشایی امر و نهی، اغراض بلاغی متفاوتی را به کار برده است.

تجربیات و احساسات و عواطف شخصی شاعر در به کارگیری اغراض بلاغی، مؤثر واقع شده‌اند. اغراض بلاغی موجود در غزلیات شهریار، محدود به غرض‌های ذکر شده در کتب علم معانی نیستند بلکه معانی ضمنی جدیدی نیز در بین اشعار او یافت می‌شود.

پیشینه تحقیق

شیخ عبدالقاهر جرجانی (متوفی ۴۷۱ هـ یا ۴۷۴ هـ) واضع علم بلاغت، در اثر ارزشمند «دلایل الاعجاز» از بلاغت کلام به «نظم» یاد می‌کند و تأکید دارد بر این که شیوایی سخن تنها به الفاظ و ترکیب آن‌ها و ویژگی‌های عبارات وابسته نیست، بلکه علاوه بر آن از یک سو به معانی نهفته در عبارات و از سوی دیگر به اغراض و اهدافی که معانی عبارات برای آن و براساس آن تنظیم می‌شود بستگی دارد. درباره اغراض بلاغی که در اشعار شاعران به کار گرفته شده، باید گفت: بحث و سخن در اغراض ثانوی جملات در ادبیات، از مباحث و مطالب باسابقه و دیرین بلاغی است. درباره این اغراض فرعی و مجازی برای اولین بار زمخسری سخن گفته و برای برخی از اغراض جملات امر و نهی، شواهدی از قرآن کریم را ذکر نموده است.

لازم به ذکر است که از لحاظ تاریخی در نخستین منابع بلاغت اسلامی هم چون «ترجمان البلاغه»، «حدائق السحر فی دقائق الشعر و المعجم فی معاییر اشعار العجم» عمدتاً به بیان و بدیع پرداخته شده و از مباحث معانی ذکری به میان نیامده است علت این است که هنوز مباحث آن‌ها از هم جدا نشده و استقلال پیدا نکرده بود. با جدایی مباحث معانی از بیان و بدیع، تالیف منابع مستقل به فارسی برای هر کدام از یک سو و نیز ورود بحث به حوزه

دانشگاه از سوی دیگر به حد کافی، موضوع هر سه فن تخصصی شده است. بنابراین بعد از این دوره، نویسندگانی هم به زبان عربی و هم به زبان فارسی کتاب‌هایی را در این زمینه تدوین و به بررسی اغراض بلاغی پرداخته‌اند که می‌توان از کتب متقدم به کتاب‌هایی هم چون «مختصر المعانی»، «دُرر الادب»، «معالم البلاغه»، «جواهر البلاغه»، «دلایل الاعجاز» و «علوم البلاغه» اشاره کرد و کتاب‌هایی که در عصر حاضر نوشته شده‌اند تلخیص و ترجمه‌ای از کتاب‌های متقدم هستند که به زبان فارسی نوشته شده و شاهد مثال‌هایی از شاعران ایرانی به آن اضافه کرده‌اند. از جمله این کتاب‌ها البلاغه الواضحه، معانی و بیان علومی مقدم و اشرف زاده، معانی شمیسا، معانی دکتر جلال‌الدین کزازی و معانی و بیان تجلیل هستند. حتی مقالات علمی و پژوهشی زیادی نیز در این زمینه نوشته شده‌اند چرا که بحث این اغراض آن چنان گسترده و وسیع است که نیاز به بررسی‌های گسترده دارد. بنابراین، اغراض بلاغی که در کتب نویسندگان متقدم علم معانی هم‌چون زمخسری، سکاکی، فخر رازی، خطیب قزوینی و تفتازانی نوشته شده است، بسیار محدود و معدود نسبت به غرض‌های بلاغی است که امروزه ذکر شده است. چرا که قریب به اتفاق مباحث بلاغی حوزه معانی آن‌ها در حول قرآن کریم شکل گرفته است در حالی که شعر و ادب مضامین و ماهیت و حال و هوای

کاری، اما گاهی گوینده فعل نهی به کار می‌برد و مقصود و غرضی جز نهی، موردنظر او است.^۲

بررسی اغراض بلاغی امر و نهی در اشعار شهریار

۱: اغراض بلاغی امر: گاهی گوینده فعل امر به کار می‌برد اما مقصود و غرضی جز امر موردنظر اوست. این اغراض که جنبه بلاغی و ادبی دارند در غزلیات شهریار به وفور مشاهده می‌شوند حتی نادرترین و کم‌یاب‌ترین اغراض که در کتاب‌های معانی ذکر و تنها چند مثال مشهور در ذیل آن‌ها آورده شده که اغلب کتب، به آن‌ها اشاره داشته‌اند، در غزلیات شهریار چنان استادانه توسط شاعر به کار گرفته شده‌اند که می‌توان آن‌ها را به عنوان بهترین شاهد مثال‌های این اغراض قرار داد. اغراض بلاغی امر بکار رفته در اشعار شهریار به ترتیب از پربسامدترین تا کم‌بسامدترین آن‌ها عبارتست از:

التماس (خواستاری): «طلب مساوی است از مساوی، یعنی مساوی در رتبه که در فارسی به خواهش و التماس تعبیر می‌شود»^۳. یا به عبارتی دیگر «التماس آن است که هم‌پایه‌ای، به فرمان، انجام کاری را از هم‌پایه‌ای بخواهد»^۴. این غرض امر در غزلیات شهریار، از بسامد بالایی برخوردار است. در بیت زیر لحن شاعر به خواهش و التماس نزدیک است و در واقع با درخواست

مخصوص به خود دارد. مثلاً در برخی از کتب اخیر علم معانی حدود ۳۰ غرض ثانوی برای سوال ذکر گردیده است و این نشان وسعت حوزه این علم و مباحث آن است.

گسترده‌گی حوزه اغراض بلاغی جملات خبری و انشایی در اشعار شاعران باعث شد که بعدها این موضوع در دیوان یک شاعر خاص به عنوان موضوع تحقیقاتی مورد بررسی قرار بگیرد و یا مقالات علمی و پژوهشی زیادی در این زمینه تألیف شود. مثلاً: از پژوهش‌هایی که در مورد این موضوع تألیف شده‌اند می‌توان به این موارد اشاره کرد:

مفاهیم بلاغی امر و نهی در بوستان سعدی مصطفی طباطبایی و دکتر جلیل تجلیل معانی بلاغی امر و نهی در غزلیات حافظ محمد آرمان‌فر و دکتر جلیل تجلیل بازتاب علم معانی در شعر رودکی شیوه‌های بلاغی در شعر ناصر خسرو پرسش بلاغی در شعر مهدی اخوان ثالث.

تعریف امر و نهی

فرمان (امر) در قلمرو زبان، ساختی است از فعل که بدان کسی را به انجام کاری می‌فرمایند؛ ناگفته پیداست که فرماینده خود را برتر از فرمانبر می‌شمارد؛ وگرنه او فرمان نمی‌دهد.^۱

نهی یعنی بازداشتن از کاری و در حقیقت، امری است منفی، یعنی فرمان به انجام ندادن

۲. محمد علوی مقدم، رضا اشرف‌زاده، ۱۳۷۹: ص ۶۱

۳. محمد خلیل رجایی، ۱۳۵۳: ص ۱۵۱

۴. جلال الدین کزازی، ۱۳۷۳: ص ۲۱۹

۱. میر جلال الدین کزازی، ۱۳۷۳: ص ۲۱۸

خود، مضمون «التماس» را به مخاطب خود القاء کرده است هم‌چنین در این بیت نه تنها غرض التماس، بلکه غرض ارشاد نیز وجود دارد و چنانکه قبلاً نیز گفته شده بود این یکی از هنرهای شهریار است که قدرت خاصی در ترکیب چند غرض در یک بیت دارد: دنیا و مافیها اگر ناهلت ارزانی کند

با سرگرانی بگذر از دنیا و مافیها، بیا
(تبریزی، ۱۳۸۷:ص ۹۵)

ارشاد و تشویق: فعل امر گاهی در غرض ارشاد به کار می‌رود و هدف شاعر، راهنمایی مخاطب به سوی کسی یا چیزی است. به عبارتی، گوینده سعی می‌کند با به کارگیری افعال امری، ذهن و افکار مخاطب خود را به سوی فضایل و اخلاقیات سوق دهد و یا اذهان مخاطبان خود را در جهت واقعیات و حقیقت‌های جوامع افراد و عقاید، ارشاد و تشویق کند. این غرض در اکثریت کتاب‌های علم معانی به جز «معالم البلاغه محمدخلیل رجایی» و «معانی جلال‌الدین کزازی» ذکر شده است. در اشعار شهریار و به عنوان نمونه در بیت زیر شاعر سعی کرده است تا مخاطب خود را به سوی خدا سوق بدهد و این نکته را به مخاطب گوشزد کند که آدمی با نزدیک شدن به خدا، در همه‌ی مراحل زندگی موفق بوده و توفیق و سعادت ابدی نصیب او می‌شود. هم‌چنین در بیت بالا، شهریار با آوردن تمثیل، تأثیر کلام خود را

دوچندان کرده است. لازم به ذکر است که ارشاد و تشویق در قالب جمله امری، می‌تواند تأثیر بیشتری را نسبت به دیگر جملات در افکار مخاطب داشته باشد. برو نور خدا کن دیده‌بان کشتی توفیق
که کشتی‌ها به نور دیده‌بان یابند ساحل‌ها
(تبریزی، ۱۳۸۷:ص ۹۲)

تمنی و آرزو: گاهی فعل امر در مفهوم بلاغی، معنی تمنا و آرزو را می‌دهد. «تمنی درخواست امری غیرممکن است.^۱» در غزلیات شهریار درخواست آرزو بیش‌تر از عوامل طبیعی هم‌چون باد، نسیم صبا، اشک، آسمان، اجل، آفتاب، شب، عشق، سپیده، و یا اشخاصی که از دنیا رفته اند، صورت گرفته است. شهریار اگر چه در ظاهر به این پدیده‌ها و اشخاص امر می‌کند ولی این امر غیرممکن است چون این پدیده‌ها و اشخاصی که مُرده‌اند موجودی زنده نیستند که امر در مورد آن‌ها مصداق داشته باشند، پس در بطن کلام شهریار، آرزویی نهفته است که خواسته آن را در قالب این نوع بیان، آشکار سازد. به عنوان نمونه شهریار در بیت زیر با مخاطب قراردادن «شب هجران» خواسته بگوید «ای کاش شب‌های هجران تمام شده و به وصال دست یابم».

ما را سر کشتی نبود ای شب هجران
دست از سر این سوخته بردار که کشتی
(تبریزی، ۱۳۸۷:ص ۳۸۳)

۱. علی‌الجارم و دیگران، ۳۳۲:ص ۳۸۰

می‌شود که می‌خواهند شنونده را به ریشخند گیرند و او را خوار بدارند. در این گونه از فرمان نیز، انجام آن چه فرموده شده است، در توان شنونده نیست؛ از دیگر سوی، فرماینده نیز به راستی انجام کاری را از شنونده نمی‌خواهد^۳. در بیت زیر شهریار با آوردن فعل امر «برو» در صدد ریشخند به مخاطب بوده است، چرا که در مقابل تاختن لشکر هجران به سوی او، مخاطب دست او را نگرفته و او تنهایی با درد هجران خو گرفته است.

برو که لشکر هجران چو بر سر من تاخت

تو دست من نگرفتی و پایمال شدم

(تبریزی، ۱۳۸۷:ص ۲۹۷)

استرحام: گاهی برای استرحام و برانگیختن رحم و شفقت مخاطب، فعل را به صورت امر به کار می‌برد. به عنوان مثال شهریار در بیت زیر از مخاطب خود می‌خواهد تا در نبود خودش، هجر و فراق را برای او بگذارد. این سخن شاعر، در واقع به انگیزه به رحم آوردن مخاطب بوده و گرنه خیال هرگز نمی‌تواند هم‌چون انسان، کسی را همراهی کند.

تا خو کنم به هجر بگو با خیال خویش

یک چند هم‌رهی به من در به در کند

(تبریزی، ۱۳۸۷:ص ۲۱۵)

تنبیه و آگاه‌سازی: گاهی هدف شاعر از آوردن فعل امر، آگاه‌سازی مخاطب نسبت به واقعیتی است. این غرض در غزلیات شهریار

تعجب (شگفتی): «گاهی در حالی که فعل به صورت امر به کار رفته است، مفهوم تعجب از آن استنباط می‌شود^۱». «این گونه فرمان بیشتر در فعل‌هایی چون «نگریستن» و «دیدن» کاربرد دارد^۲». غرض تعجب در غزلیات شهریار بیشتر با فعل امر «بین» به کار رفته است. به طور مثال در بیت زیر فعل امر «بین» برای بیان تعجب از سوی شاعر به کار رفته است. تعجب شاعر در این بیت وسیع‌بودن اشک پیری در مقابل اشک جوانی است. اغراض تعجب در غزلیات شهریار چنان استادانه به کار رفته که جای دارد در ردیف بهترین مثال‌های اغراض بلاغی امر قرار بگیرد.

در جوانی اشک ما گر بود حوضی فی المثل

اشک پیری بین چه دریایی شگرف و ژرف شد

(تبریزی، ۱۳۷۸:ص ۱۹۱)

دعا: این غرض بیشتر در ارتباط با خدا به دست می‌آید. و البته در مواردی نیز هم‌چون بیت زیر دیده می‌شود که شهریار در غزلی غرض دعا را به کار گرفته است.

چو تویی قضای گردان به دعای مستمندان

که ز جان ما بگردان ره آفت قضا را

(تبریزی، ۱۳۸۷:ص ۶۹)

تحقیر و ریشخند: «گاهی ساخت فرمان و ریشخند از آن روی در ادب به کار گرفته

۱. محمد علوی مقدم و دیگران، ۱۳۷۹: ص ۶۰

۲. جلال‌الدین کزازی، ۱۳۷۳: ص ۲۲۵

۳. جلال‌الدین کزازی، ۱۳۷۳: ص ۲۲۲

بیشتر در زمینه ناپایداری دنیا، شتاب جهان و اغتنام فرصت بوده است. چنان که در ابیات زیر ذکر شد، هدف شاعر آگاه‌سازی مخاطب در ناپایداری دنیا و شتاب عمر، بوده است. صبح اگر طالع وقتی است غنیمت بشمار

کس نخوانده‌است که تا شام چه خواهد بودن
(تبریزی، ۱۳۸۷: ص ۳۴۳)

منصور زنده باد که در پای دار گفت

آسان گذر ز جان که جهان پایدار نیست
(تبریزی، ۱۳۸۷: ص ۱۲۸)

تهدید و تحذیر: «تهدید یعنی ترساندن فاعل بر سوء عاقبت و نتیجه مترقب بر فعل، چون به کسی که ستم می‌کند گویی: «هر چه می‌توانی و از دستت برمی‌آید بکن.»^۱ و مثل قول خدای تعالی: «اعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (فَصَّلَتْ/۴۰). شهریار از غرض تهدید در غزلیات خود ماهرانه استفاده کرده است که می‌توان بهترین نمونه‌های این غرض را در غزلیات او یافت. به عنوان نمونه شهریار در بیت زیر مخاطب خود را از روزگار ترسانده و به شاه بیدادگر این پیام را داده است که «به خاطر ظلم و ستم‌هایی که در حق مردم می‌کند روزگار تقاص آن‌ها را از او خواهد گرفت.»

رفتی و گفتم ای شه بیدادگر برو

تا روزگار بر سر داد آورد تو را
(تبریزی، ۱۳۸۷: ص ۷۹)

عبرت: گاهی گوینده جهت مؤثر واقع شدن مورد تنبّه، آن را به صورت امر مطرح می‌کند. در این زمینه، می‌توان بیت خاقانی را که در مورد ایوان مداین سروده است، به عنوان شاهد مثال آورد. در کنار این ابیات خاقانی، شهریار نیز در به کارگیری این غرض در قالب فعل امر، سهم بسزایی دارد. شهریار نیز استادانه در مقابل این بیت خاقانی، غرض عبرت را در بیت زیر گنجانده است:

هر خرابه خود قصری است یادگار صدخاقان

چون مداینش بشنو خطبه‌های خاقانی
(تبریزی، ۱۳۸۷: ص ۴۳۳)

اکرام: اکرام به معنی بزرگداشت کسی یا چیزی است. به این غرض فقط در کتاب‌های «البلاغه الواضحه» و «درر الادب» اشاره شده است. در این دو کتاب مثال به کار گرفته شده در باب این غرض، به صورت تکراری است ولی در غزلیات شهریار، این غرض به صورت‌های گوناگون توسط شاعر به کار گرفته شده است. به‌طور مثال در بیت زیر شاعر با آوردن فعل امر، قصد اکرام و بزرگداشت مخاطب را داشته است. به غیر از فعل امر، قرینه دیگری نیز جهت اکرام مخاطب توسط شاعر آورده شده است. شهریار با خطاب «عزیز دل» به مخاطب، غرض اکرام را در کنار فعل امر، به کار برده است.

فرود آئی عزیز دل! که من از نقش غیر تو

سرای دیده با اشک ندامت شست و شو کردم
(تبریزی، ۱۳۸۷: ص ۲۹۴)

تعریض: یعنی در سخن، معنایی که مقصود گوینده است، گنجانده شود، بدون آن که به آن تصریح شود. به وسیله تعریض گوینده می‌تواند مخاطب را با شیوه‌ای نیکوتر و لطیف‌تر از مقصود خود آگاه کند. مثلاً به کسی گفته شود: چقدر بخل زشت است و مقصود گوینده، تعریض به بخیل بودن مخاطب باشد. در غزلیات شهریار نمونه محدودی از تعریض وجود دارد ولی شاعر در همین ابیات محدود، استادانه توانسته است در فعل امر، غرض تعریض را بگنجانند. برای نمونه شهریار در بیت زیر، زاهد را مخاطب خود قرار داده و ابراز کرده است که خود او گناه کار است و به زاهد طعنه‌ای نمی‌زند. در حالی که در بطن این کلام، شاعر خواسته گناه کار بودن زاهد را بیان کند. به این غرض بلاغی فقط در کتاب‌های «البلاغه الواضحه»، و «معانی شمیسا» اشاره‌ای شده است ولی جای دارد در ردیف بهترین و مهم‌ترین اغراض بلاغی امر، قرار بگیرد.

به دامن تر خود طعنه می‌زنم زاهد

بیا که برنخورد گوشه قبای تو را
(تبریزی، ۱۳۸۷: ص ۶۷)

تخییر: «تخییر نیز در ظاهر عین تسویه است ولی در معنی با آن متفاوت است، یعنی اگر

چه گوینده علی‌الظاهر دو امر را یکسان تلقی می‌کند ولی گوشه چشمی به یکی از این دو امر دارد و تمایلش بدان بیشتر است و یکی از آن دو را انتخاب می‌کند».

یا به آهوروشان انس و صفا ده یا رب

یا ز صاحب‌نظران بازستان ذوق سلیم
(تبریزی، ۱۳۸۷: ص ۳۲۶)

اباحه: «و آن حکم به جواز فعل است با تساوی دو طرف ثبوت و انتفاء یعنی عدم رجحان طرفی بر طرف دیگر^۲». این غرض، در غزلیات شهریار، از کم بسامدترین اغراض بلاغی امر است که فقط یک‌بار به کار رفته است. از اغراض اباحه با عنوان «هم‌ترازی» هم یاد شده است.

رضای خاطر من در رضای خاطر توست

تو خواه عزت من خواه یا که ذلت من
(تبریزی، ۱۳۸۷: ص ۳۵۱)

۲. اغراض بلاغی نهی: افعال نهی در غزلیات شهریار از بسامد پایینی برخوردار است. یعنی فعل نهی بعد از امر، استفهام، منادا، رتبه چهارم را دارد. اما ابیاتی که شهریار در آن‌ها دست به آوردن افعال نهی زده است و به اغراض مختلف از این افعال بهره برده است؛ از بهترین نمونه‌های موجود در میان این‌گونه اشعار هستند. شهریار در ابیاتی که از فعل نهی استفاده کرده است هم چون استاد خود حافظ، هنر خود را در

۱. علی الجارم و دیگران، ۱۳۸۰: ص ۳۳۳
۲. محمدخلیل رجایی، ۱۳۵۳: ص ۱۵۱

ترکیب کردن چند غرض متفاوت، نشان داده است که ما در این بخش، به بررسی جداگانه هر یک از این اغراض می‌پردازیم.

خواستاری (التماس): «در این غرض، هم‌پایه‌ای از هم‌پایه دیگر می‌خواهد که کاری را به انجام نرساند»^۱.

به چشمک این همه مژگان، به هم مزن یارا

که این دو فتنه به هم می‌زنند دنیا را

(تبریزی، ۱۳۸۷: ص ۷۸)

ارشاد و راهنمایی: گاهی قصد شاعر از نهی، ارشاد و راهنمایی مخاطب است و می‌خواهد یک نکته اخلاقی و معنوی و یا هرگونه اطلاعاتی را در اختیار شنونده بگذارد. به عنوان مثال این بیت شهریار یکی از زیباترین ابیات موجود در زمینه جدایی عقل و عشق است. شاعر با فعل نهی این نکته را به مخاطب گوشزد کرده که با علم و عقل نمی‌توان به بررسی و شناخت عشق پرداخت، به قول خود شاعر بارگاه دل از کارگاه مغز جداست. شاعر برای این که دل را از مغز متفاوت نشان دهد از اضافه تشبیهی بهره برده است، دل را هم‌چون بارگاهی و مغز را هم‌چون کارگاهی تصوّر کرده است و از آن جا که بارگاه نسبت به کارگاه از وسعت بیشتری برخوردار است می‌توان به تفاوت آن‌ها پی برد.

قماش عشق به مقیاس علم و عقل مسنج

که بارگاه دل از کارگاه مغز جداست

(تبریزی، ۱۳۸۷: ص ۱۱۱)

توبیخ و سرزنش: «گاه بازداشت و نهی از آن روی در سخن به کار گرفته می‌شود که می‌خواهند شنونده را نکوهش و سرزنش کنند»^۲. شهریار در بیت زیر مخاطب خود را به نوعی توبیخ و سرزنش می‌کند که به خاطر نان و مادیات، نباید سراغ ثروتمندان رفت چرا که این طایفه نامردانند.

بهر نان بر در ارباب نعیم دنیا

مرو ای مرد که این طایفه نامردانند

(تبریزی، ۱۳۸۷: ص ۲۱۹)

لابه و زاری: «در این گونه از بازداشت، فرودست به زاری و لابه، از فرادست می‌خواهد که کاری را به انجام نرساند»^۳. از نمونه ابیات شهریار در این امر می‌توان بیت زیر را ارائه نمود:

شمع دل خاموش من از سوز میفروز

کافسرده دل افسرده کند انجمنی را

(تبریزی، ۱۳۸۷: ص ۸۸)

تیئیس (نومید ساختن): به این غرض در بیشتر کتاب‌های علم معانی، اشاره‌ای نشده است و به صورت گذرا، آق‌اولی در کتاب «دررالادب» از آن یاد کرده و هیچ مثالی در ذیل آن، ذکر نکرده است. ولی در کتاب «البلاغه الواضحه» از این غرض همراه با مثال یاد شده است. شاعر گاهی مخاطب خود را از کار و عملی نهی می‌کند ولی هدف او نومیدساختن مخاطب خود از شخص و یا عملی است. مثلاً در بیت

۲. میر جلال‌الدین کزازی، ۱۳۷۳: ۲۲۹

۳. جلال‌الدین کزازی، ۱۳۷۳: ۲۲۶

۱. میر جلال‌الدین کزازی، ۱۳۷۳: ۲۲۷

نیست که نهی در مورد او، مصداق داشته باشد. در واقع در بطن کلام شهریار، آرزویی نهفته بود که گویی او در قالب این نهی خواسته بگوید: «ای کاش ماه از روزن نتابد چرا که او شمع کشته و زندان غم‌افزای مرا خواهد دید». متاب از روزن ای ماه دل‌افروزم چه اصراری

که شمع کشته‌ام بینی و زندان غم‌افزا را دوام: دوام به معنی «همیشه» یکی دیگر از اغراض نهی است. به این غرض تنها در بعضی از کتاب‌های بلاغی اشاره شده است. این غرض در غزلیات شهریار، به وفور استفاده شده است به طور نمونه هدف شهریار در این بیت این بوده است که «در طول عمر خود به درگاه نامرد حاجت میر و از او چیزی نخواه». حاجت میر به درگه نامردای فقیر

آن‌جا برو که حاجت مردان روا کنند (تبریزی، ۱۳۸۷: ص ۲۲۱) استرحام: گاهی هدف شاعر از نهی، طلب رحم و بخشش از مخاطب است.

تمنای وصال نیست عشق من مگیر از من به دردت خو گرفتم نیستم در بند درمانت (تبریزی، ۱۳۸۷: ص ۱۴۸)

تشویق: گاهی شاعر فعل نهی را در کلام خود می‌آورد ولی هدف و غرض او تشویق کردن مخاطب به انجام‌دادن کاری است. به طور نمونه در این بیت شهریار مخاطب را تشویق به «لبخندزدن» می‌کند این غرض را می‌توان یکی از بهترین غرض‌ها بلاغی نهی دانست.

زیر شهریار مخاطب خود را با آوردن فعل نهی، از روزگار ناامید ساخته و بیان کرده است که آدمی هرگز نباید از روزگار انتظار عاطفه و محبت داشته باشد چرا که در روزگار نشانی از عاطفه دیده نمی‌شود. از روزگار، عاطفه هرگز طمع مدار

اصلا نشان عاطفه در روزگار نیست (تبریزی، ۱۳۸۷: ص ۱۲۷)

تهدید و ترساندن: در غرض تهدید، گوینده با آوردن فعل نهی، مخاطب را تهدید می‌کند و به عبارتی فرجام آن کار را به وی گوشزد می‌کند. مثلاً شهریار در بیت زیر با نهی مخاطب از انجام کاری (هوس نکردن به عشق‌های جوانی) او را از عاقبت کار (فسق و فساد) آگاه می‌کند. شهریار در این بیت دل خود را تهدید کرده و بیان کرده است که اگر به عشق‌های جوانی هوس کند عاقبت کار فسق و فساد نصیب او می‌شود. ای دل به عشق‌های جوانی هوس مکن

ترسم دوباره فسق و فساد آورد تو را (تبریزی، ۱۳۸۷: ص ۷۹)

تمنی و آرزو: گاهی هدف گوینده از نهی، بیان آرزو و تمنایی است و خواست گوینده به راستی آن نیست که شنونده را از کاری بازدارد. مثلاً شهریار در این بیت، ماه را مخاطب خود قرار داده است. او در ظاهر به ماه امر می‌کند که از روزن خانه نتابد چرا که با تابیدن، زندان غم‌افزای او را مشاهده می‌کند. ماه موجود زنده

در رخ من مکن ای غنچه ز لبخند دریغ

که من از اشک تو را شاهد گلشن کردم
(تبریزی، ۱۳۸۷: ص ۲۹۴)

انس گرفتن: گاهی با آوردن فعل نهی، این
غرض مورد نظر گوینده است که انس و الفت
خود را به مخاطب بروز دهد. در این بیت شاعر،
می گوید که «من با تو انس و خو گرفته‌ام و
هرگز از یاد من نخواهی رفت.»

گمان مکن که فراموش من شوی، هرگز

تو آن نه کز سر دیوانه دست برداری
(تبریزی، ۱۳۸۷: ص ۳۹۴)

دعا: «یعنی طلب دانی از عالی با تضرع و
خشوع»^۱

به چشم آسمانی گردشی داری بلای جان

خدا را بر مگردان این بلای آسمانی را

(تبریزی، ۱۳۸۷: ص ۸۸)

یا رب که سایه از سرم ای ماه وام گیر

تا سر به آفتاب بساید کلاه من
(تبریزی، ۱۳۸۷: ص ۳۵۶)

تحقیر و توهین: گاهی کسی را از کاری بازمی
دارند از آن روی که می‌خواهند او را تحقیر
و توهین کنند.

برخست خود مناز که با مشت روزگار

نه قلعه کلات بماند نه کاخ کی
(تبریزی، ۱۳۸۷: ص ۴۱۱)

امر: در غرض امر، شاعر با این که فعل را به
صورت نهی به کار می‌برد ولی در بطن کلام

او، غرض امر به کار رفته است. این غرض
بیشتر در مواقعی است که عاشق در برابر
معشوق قرار گرفته و او را از انجام کار نهی
می‌کند. در حالی که هدف او این است که
معشوق را به آن کار امر کند.

از شانه آشیان دل ما به هم مریز

ای شانه تو خرمن سنبل تباه کن
(تبریزی، ۱۳۸۷: ص ۳۴۸)

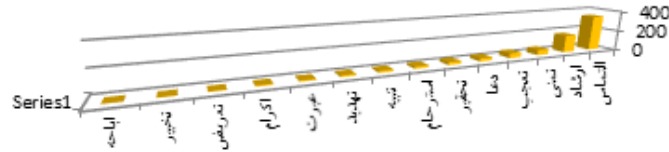
نتیجه گیری

افعال امر در غزلیات شهریار از لحاظ بسامد
اولین رتبه و افعال نهی، رتبه پایینی را دارند.
افعال امر در غزلیات شهریار مشتمل بر ۱۴ نوع
غرض بلاغی است که بعضی از این اغراض، از
بسامد بالا و بعضی دارای بسامد بسیار پایینی
هستند. برای مثال اغراض التماس، ارشاد، تمنی
و آرزو، تعجب، دعا، تحقیر و ریشخند دارای
بسامد بسیار بالا و اغراض استرحام، تنبیه و
آگاه‌سازی، تهدید، عبرت، اکرام دارای بسامد
متوسط و تعریض و اباحه دارای بسامد بسیار
پایینی هستند.

بعضی از اغراض بلاغی در غزلیات شهریار
به طور کلی وجود نداشتند ولی در کتب معانی
به آن‌ها اشاره شده است. مانند غرض «تسویه»
که یکی از اغراض مشهور امر است که قریب
به اتفاق، اغلب کتب متقدم و متاخر علم معانی
به این غرض اشاره کرده بودند.

اغلب کتب معانی در مبحث امر برای غرض

۱. محمدخلیل رجایی، ۱۳۵۳: ص ۱۵۵



	اباحه	تخیر	تعريض	اکرام	عبرت	تهدید	تنبیه	استرحام	تحقیر	دعا	تعجب	تمنی	ارشاد	التماس
Series1	1	2	4	9	10	15	17	20	27	31	47	51	169	342

نمودار بسامد اغراض بلاغی امر

شهریار، بسامد بسیار پایینی دارد و اما بیتی که در بیان این غرض آورده شده یکی از ابیات جدیدی است که در هیچ یک از کتاب‌های بلاغت به آن اشاره‌ای نشده است.

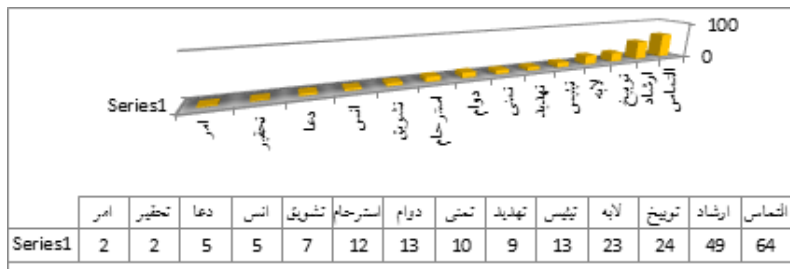
رضای خاطر من در رضای خاطر توست

تو خواه عزت من خواه یا که ذلت من

با مطالعاتی که در غزلیات شهریار صورت گرفت چهارده نوع بلاغی برای افعال نهی در نظر گرفته شد. بعضی از این اغراض دارای بسامد بسیار پایینی هستند. مانند اغراض تشویق، انس گرفتن، دعا، تحقیر و توهین و امر.

تعجب، ابیاتی را ذکر کرده‌اند که بیشتر با فعل امر «بین» به کار رفته است در حالی که شهریار در غزلیات خود برای بیان تعجب از فعل «نگر» نیز بهره برده است. اما باید گفت بسامد فعل امر «بین» نسبت به فعل امر «نگر» بیشتر است. هم‌چنین شهریار در غزلیات خود ابیات فراوانی در ذکر غرض تعجب دارد که می‌تواند جایگزین مثال‌های تکراری در کتب علم معانی بشود.

غرض اباحه در بیشتر کتب معانی ذکر نشده است و اگر اشاره‌ای به این غرض شده به صورت تکراری ابیات را آورده‌اند. این غرض در غزلیات



	امر	تحقیر	دعا	انس	تشویق	استرحام	دیام	تمنی	تهدید	تنبیه	لایه	توییح	ارشاد	التماس
Series1	2	2	5	5	7	12	13	10	9	13	23	24	49	64

نمودار بسامد اغراض بلاغی نهی

ردیف بهترین مثال‌های این غرض‌های بلاغی گنجانده شود. برای مثال فعل نهی در بعضی مواقع دارای غرض بلاغی «توییح و سرزنش» است. مثالی که برای این غرض در کتب علم

برای بعضی از اغراض نهی در کتب علم معانی، شاهد مثال‌های تکراری، ذکر شده است در حالی که شهریار در غزلیات خود، برای این اغراض، چنان ابیاتی سروده است که جای دارد در

معانی آورده شده است در سه کتاب «دررالادب» و معانی «علوی مقدم و اشرفزاده» و همچنین «البلاغه الواضحه» به صورت تکراری است. ما در کتاب‌های معانی نیازی به این مثال‌های تکراری برای تبیین اغراض بلاغی نداریم. بلکه می‌توانیم از اشعار شاعران دیگر نیز برای این غرض‌های فرعی، مثال‌های فراوانی ذکر کنیم. چنان‌که در غزلیات شهریار این مثال‌ها فراوان به کار گرفته شده‌اند. برای مثال شهریار برای غرض «تویبخ» این ابیات را آورده است این بیت‌ها نمونه‌های معدودی از غرض بلاغی تویبخ هستند

که می‌توان برای جلوگیری از آوردن مثال‌های تکراری، در کتب معانی گنجاند.
 بهر نان بر در ارباب نعیم دنیا
 مروای مرد که این طایفه نامردانند
 قماش عشق به مقیاس علم و عقل مسنج
 که بارگه دل از کارگاه مغز جداست
 گاهی در ساختار فعل نهی، شهریار چند غرض ثانوی را به همراه هم آورده است. برای مثال در بیت زیر اغراض «تویبخ» و «ارشاد» اغراضی توأم هستند که در ساختار فعل نهی به کار برده شده‌اند.

منابع

- الف: کتابها
- قرآن
- بهجت تبریزی، محمدحسین، دیوان شهریار، چاپ سی و سوم، موسسه انتشارات نگاه، تهران، ۱۳۸۷.
- تجلیل، جلیل، معانی بیان، چاپ هشتم، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۶.
- تفتازانی، سعدالدین، ۱۳۸۳، مختصر المعانی، چاپ هشتم، دارالفکر
- الجارم، علی ومصطفی، امین، البلاغه الواضحه (ترجمه ابراهیم اقبالی)، نشر شیخ صفی، اردبیل، ۱۳۸۰.
- جرجانی، عبدالقاهر، دلائل الاعجاز فی القرآن (ترجمه محمد رادمش)، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۸.
- رجایی، محمدخلیل، معالم البلاغه در علم معانی و بیان و بدیع، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه شیراز، شیراز، ۱۳۵۳.
- شمیسا، سیروس، معانی، چاپ نهم، نشر میترا، تهران، ۱۳۸۴.
- علوی مقدم و رضامحمد اشرفزاده، معانی و بیان، چاپ دوم، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۷۹.
- کزازی، میر جلال الدین، زیباشناسی سخن پارسی (۲) معانی، چاپ سوم، نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۳.
- ب: مقالات
- آقا حسینی، محمد. ۱۳۸۲. شیوه‌های بلاغی در شعر ناصر خسرو. نامه پارسی. ۲: ۷-۲۶.
- کلیم اصغر. در مورد شعر و شاعری شهریار. نامه پارسی دوره ۵ شماره ۴: ۱۳۸-۱۴۲.
- جمالی، فاطمه. ۱۳۸۸. بازتاب علم معانی در شعر رودکی. پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی (علمی-پژوهشی). ۲: ۹۹-۱۱۴.
- حیدری، حسن و علی صباغی. ۱۳۹۰. پرسش بلاغی در شعر مهدی اخوان ثالث. فصلنامه پژوهش‌های ادبی. ۳۱ و ۳۲: ۵۱-۸۰.